



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1209

Lesson No: 1209 **Tags:** American Language Course, UNIT 1209, Glossary

Special expressions	اصطلاحات خاص	Of course	البته
Look forward to	چشم انتظار بودن، انتظار کشیدن (بعد از این عبارت فعل به همراه ing می آید).	Waitress	پیش خدمت رستوران (خانم)
Too	همچنین	Waiter	پیش خدمت رستوران (آقا)
Either	همچنین (در جملات منفی)	However	در هر حال، به هر حال، لیکن، در عین حال
Count nouns	اسمهای قابل شمارش	Business	کسب و کار
Mass nouns	اسم های غیر قابل شمارش	Legal	قانونی
Direct object	مفعول مستقیم، مفعول شیئی	Legal holiday	تعطیل رسمی
Indirect object	مفعول غیر مستقیم، مفعول شخصی	New Year's Day	روز اول سال (اول ژانویه)
Use(n.)	کاربرد	Fourth of July	چهارم ماه ژوئیه، مصادف با روز استقلال آمریکا
Stress	فشار یا تأکیدی که در تلفظ قسمت خاصی از کلمه وارد می شود.	Thanksgiving Day	روز شکرگزاری
Convey	رساندن (معنی)	Christmas	روز کریسمس، روز ۲۵ دسامبر مصادف با سالروز ولادت حضرت عیسی (ع)
Initial	اولیه	Celebration	جشن
Consonant	حروف بی صدا	Steak	استیک، گوشت کباب شده
Cluster	خوشه، مجموعه ای از حروف بی صدا که در کنار هم قرار می گیرند.	Fry	سرخ کردن (با روغن)
Initial consonant clusters	خوشه ها یا مجموعه هایی از حروف بی صدا که در ابتدای کلمه واقع می شوند.	Fried chicken	مرغ سرخ شده
Medial	میانی، وسطی	Roast	کباب کردن
Medial consonant clusters	خوشه ها یا مجموعه هایی از حروف بی صدا که در وسط یک کلمه واقع می شوند.	Roast beef	گوشت گوساله کباب شده
Trip	سفر	Stew	عصاره گوشت، آب گوشت، خورش
Labor	کار، نیروی کار	Fish	ماهی
Labor Day	روز کارگر	Stand for	نشان دادن، نماینده چیزی بودن، قرار گرفتن به جای
Wait	صبر کردن	PhD stands for "Doctor of Philosophy".	کلمه PhD به جای کلمات Doctor of Philosophy به معنی «دانشمند و صاحب نظر در دانش و عقل» قرار می گیرد.
Anyway	به هر حال، در هر حال	Count	شمردن
What do you need anyway?	حالا چی نیاز داری مگه؟	Sugar	شکر
Pack	بسته	Substitute	جایگزین کردن
Stamp	تمبر (پستی)	Instead of	به جای، در عوض
Stamp machine	دستگاه فروش تمبر	Occur	اتفاق افتادن، واقع شدن
I forgot all about that!	کلاً فراموش کرده بودم!	Postman	نامه رسان، پستیچی
Holiday	روز تعطیل	To whom	که به او
		For whom	که برای او
		Pattern	الگو



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1209

Lesson No: 1209 **Tags:** American Language Course, UNIT 1209, Glossary

Postcard	کارت پستال	Probably	احتمالاً
Sandwich	ساندویچ	Sugar and cream	شکر و شیر (شیر غلیظی که با قهوه سرو می شود).
Toy	اسباب بازی	We expect a check in the mail.	ما انتظار داریم که یک فقره چک داخل نامه باشد.
Cookie	شیرینی، بیسکوئیت	Plan	برنامه ریزی کردن، طرح ریختن
Ship	ارسال کردن، فرستادن	To have a good time	خوش گذراندن
Pour	ریختن	Have a good time!	خوش بگذره!
Drink of water	جرعه آب	Who needs a lot of money to have a good time?	چه کسی برای خوش گذرانی پول زیادی نیاز دارد؟
Ticket	بلیت، قبض جریمه	Hope for	انتظار کشیدن
Traffic ticket	قبض جریمه رانندگی	Who hopes for a lot of money?	چه کسی برای پول فراوان انتظار می کشد؟
Assignment	تکلیف (درسی)	Make money	پول ساختن، پول در آوردن، در آمد کسب کردن
Monkey	میمون	John expects to make more money this year.	جان انتظار داره امسال پول بیشتری در بیاره.
Supper	شام	I'm flying to Chicago.	من قصد دارم با هواپیما به شیکاگو بروم.
Roast meat	گوشت کباب شده	Though	اگرچه
Outdoors	بیرون از خونه	They have other days free though.	اگرچه آنها روزهای دیگری تعطیلی دارند.
The meat was cooked outdoors.	گوشت بیرون [روی آتش] پخته شده بود.	Fall	پاییز
Else	دیگر	Labor Day and Thanksgiving come in the fall.	روز کارگر و روز شکرگزاری در پاییز می آیند.
What else...?	دیگه چی...؟ کلمه سؤالی که از سایر آیتم ها و آپشن ها سؤال می کند.	Way	راه و روش، طریق، شکل
Bake	طبخ کردن، در تنور پختن	The same way	به یک روش، به شکل یکسان
Baked potatoes	سیب زمینی تنوری	Do you celebrate all these holidays the same way?	آیا شما تمام این تعطیلات را به یک شکل جشن می گیرید؟
Butter	کره	Picnic	پیک نیک، طبیعت گردی
We also had baked potatoes with butter.	این جمله را به دو شکل می توان ترجمه کرد: (۱) عبارت had baked را ماضی نقلی در نظر بگیریم: ما سیب زمینی و کره هم پخته بودیم. (۲) فعل had را به عنوان گذشته have به معنی «خوردن» ترجمه کنیم و baked potatoes را مفعول آن در نظر بگیریم: ما سیب زمینی تنوری هم خوردیم.	Gift	هدیه، کادو
Let's not do that.	بیا نکنیم این کار رو.	Are you looking forward to your vacation?	آیا [مشتاقانه] منتظر تعطیلات هستی؟
Let's not go downtown.	بیا بیاید نریم مرکز شهر.	Cash	نقد کردن
Let's go where?	[به نظرتون] کجا بریم؟	Fix	تعمیر کردن، ترمیم کردن
Let's do what?	[به نظرتون] چکار کنیم؟		



Course Title: English For Managers (Virtual Communication Approach)

Section Title: American Language Course Book 1200 – Student Glossary – UNIT 1209

Lesson No: 1209 **Tags:** American Language Course, UNIT 1209, Glossary

The dentist fixes your teeth. دندانپزشک دندانهای شما را
ترمیم می کند.

Free آزاد

I have Friday free. جمعه آزادم. جمعه ام خالیه.

The woods جنگل

On a picnic we eat in the woods. موقع پیک نیک ما توی جنگل غذا
می خوریم.

Pass رد کردن، دادن چیزی (سر میز غذا یا سفره)

Bread نان

Will you please pass me the bread? میشه لطفاً نون رو [از اون طرف]
بدید به من؟

All day long سرتاسر روز

Print چاپ کردن

Is much news good to print? آیا اخبار زیادی وجود دارد که
برای چاپ کردن مناسب باشد؟

Not much news is interesting. اخبار جالب زیاد نداریم.

Pot قوری

Tea pot قوری چای

Coffee pot قوری قهوه

Candy آب نبات

Contain در بر داشتن، شامل شدن

Pie کلوچه

Herself (Reflexive Pron.) خودش (ضمیر انعکاسی مؤنث)

Truth حقیقت، راستی

Salt نمک

Bedtime story داستان وقت خواب

Library کتابخانه

Cigar سیگار برگ

Cut the grass چمن را کوتاه کردن

Stop ایستگاه (اتوبوس)